

امامی که دانش را رفیع کرد/ امام باقر(ع) و جالش های عقیدتی و فقهی

ابن حجر، دانشمند اهل تسنن در مورد امام باقر(ع) می گوید او جامع علوم و شکافنده و توسعه دهنده علم بود. او نمایانگر علم بود و دانش را رفعت داد.



ابن حجر، دانشمند اهل تسنن در مورد امام باقر(ع) می گوید او جامع علوم و شکافنده و توسعه دهنده علم بود. او نمایانگر علم بود و دانش را رفعت داد.

هفتم ذی الحجه سالروز شهادت امام باقر(ع) است که در این مجال نگاهی کوتاه به زندگی این امام بزرگوار خواهیم داشت. لفظ باقر؛ باقر؛ به معنای شکافنده؛ است و لقبی است که پیغمبراکرم(ص) به آن حضرت داده بود. آن حضرت فرزند امام چهارم و در سال ۵۷ هجری متولد شده بود، در واقعه کربلا چهارساله و حاضر بود و پس از پدر بزرگوارش به امر خدا و معرفی گذشتگان خود، به امامت رسید و در سال ۱۱۴ او یا ۱۱۷ هجری (به حسب بعضی از روایات شیعه توسط ابراهیم بن ولید بن عبدالملک برادرزاده هشام خلیفه اموی مسموم شده و) درگذشت.

در عهد امام پنجم از طرفی در اثر مظالم بنی امیه، هر روز در قطری از اقطار بلاد اسلامی انقلاب و جنگ هایی رخ می داد؛ و از خود خاندان اموی نیز اختلافات بروز می کرد؛ و این گرفتاریها دستگاه خلافت را مشغول و تا اندازه؛ ای از تعرض به اهل بیت صرف می کرد.

و از طرفی وقوع فاجعه کربلا و مظلومیت اهل بیت که ممثل آن، امام چهارم بود مسلمانان را مجذوب و علاقمند اهل بیت می ساخت. این عوامل دست به دست هم داده مردم و خاصه شیعه را مانند سیل به سوی مدینه و حضور امام پنجم سرازیر ساخت و امکاناتی در نشر حقایق اسلامی و معارف اهل بیت برای آن حضرت به وجود آمد که برای هیچ یک از پیشوایان گذشته اهل بیت میسر نشده بود. و گواه این مطلب اخبار و احادیث بی شماری است که از امام پنجم نقل شده و گروه انبوهی از رجال علم و دانشمندان شیعه که در فنون متفرقه معارف اسلامی در مکتب آن حضرت پرورش یافته؛ و در فهرستها و کتب رجال، اسامیشان ضبط شده است.

امامت پیشوای پنجم شیعیان؛ امام محمدباقر(ع) در برهه ای آغاز شد که جامعه آن روز بیش از هر زمان دیگر چالشهای عمیق عقیدتی و فقهی میان فرقه های اسلامی را یکی پس از دیگری تجربه می کرد

امامت پیشوای پنجم شیعیان؛ امام محمدباقر(ع) در برهه ای آغاز شد که جامعه آن روز بیش از هر زمان دیگر چالشهای عمیق عقیدتی و فقهی میان فرقه های اسلامی را یکی پس از دیگری تجربه می کرد. با حضور امام باقر(ع) در این عرصه، گام مهم و بسزایی در راستای تبیین آرای شیعیان برداشته شد و جنبش تحسین برانگیزی در میان دانشمندان شیعی پدید آمد که در اندک زمانی پس از آن توانست تفکرات خطرناک فرقه هایی چون مرجئه، جبریه، قدریه، غلات را تا حد قابل توجهی منزوی سازد.

دوره امامت ایشان و فرزند بزرگوارش امام جعفرصادق(ع) با مسایلی همچون انقراض امویان، بر سر کار آمدن عباسیان، پیدا شدن مشاجرات سیاسی و ظهور سرداران و مدعیانی مانند ابومسلم خراسانی، ترجمه کتب فلسفی و مجادلات کلامی مقارن است. در چنین شرایطی اختلاف شدیدی در کشورهای اسلامی پدید آمده بود و هر کسی از گوشه ای قیام می کرد و در نتیجه خلفا به سرعت تغییر می کردند؛ چنانکه در مدت امامت امام پنجم(ع) و در طی نوزده سال، پنج خلیفه روی کار آمدند. لذا موقعیت مناسبی برای آن حضرت که از ظلم بنی امیه فارغ شده بود، پدید آورد تا انقلابی علمی را آغاز نماید. با بهره گیری از همین فرصت بود که بزرگانی از شیعیان و اهل تسنن در اطراف ایشان جمع شدند و حقایق و معارف اسلام را منتشر کردند. از همین روی امام محمدباقر(ع) و پس از وی امام جعفرصادق(ع) از موقعیت مساعد روزگار سیاسی، برای نشر تعلیمات اصیل اسلامی بهره جستند و دانشگاه تشیع و علوم اسلامی را بنیان نهادند. محضر امام باقر(ع) مرکز علما و دانشمندان و راویان حدیث و خطیبان و شاعران بنام بود و در مکتب تربیتی ایشان علم و فضیلت به مردم آموخته می شد.

شیخ مفید در *ارشاد*؛ می نویسد: از هیچ کدام از فرزندان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) این اندازه از علم دین و آثار و سنت و علم قرآن و سیره و فنون ادب که از امام باقر(ع) صادر شده، ظاهر نشده است

چنانکه شیخ مفید در *ارشاد*؛ می نویسد: از هیچ کدام از فرزندان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) این اندازه از علم دین و آثار و سنت و علم قرآن و سیره و فنون ادب که از امام باقر(ع) صادر شده، ظاهر نشده است. ابن حجر- دانشمند اهل تسنن- نیز در مورد این امام بزرگوار می گوید: او جامع علوم و شکافنده و توسعه دهنده علم بود. او نمایانگر علم بود و دانش را رفعت داد. قلب او مهذب و علم و عمل او پاک و پاکیزه بود. او طاهر و مطهر بود، خلق او عالی بود و عمر او در اطاعت خداوند صرف شد. تبحری در عرفان داشت که زبان گویای آن نیست. سخنان او در عرفان و سیر و سلوک به حدی است که نمی تواند در این گفتار ضبط شود.

از دیگر تلاشهای چشمگیر امام در راستای نشر تعالیم اسلامی، مرجعیت علمی امام در پاسخگویی به مسایل فقهی مردم بود. ایشان با برقراری حوزه درس، زدودن چالشهای علمی و تحکیم مبانی معارف و اصول ناب اسلامی با تکیه بر آیات رهنمونگر قرآن با کج اندیشی ها مبارزه و تمام ابواب فقهی و اعتقادی را از دیدگاه قرآن بررسی کرد و به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر

خود و جنبش بزرگ علمی کمر بست.

ابو اسحاق سبعی؛ از دیگر فرهیختگان این دوره، آن قدر نظرات علمی امام را درست می‌پندارد که وقتی از او در مورد مسأله ای می‌پرسند، پاسخ را از زبان امام می‌گوید و می‌افزاید: او دانشمندی است که هرگز کسی به سان او (در علم) ندیده‌ام. ابو زرع؛ نیز در این باره اقرار می‌کند: او بزرگترین دانشمندان است.

در آن روزگار، بسیاری از شیعیان به مراتب عالی تشیع دست نیافته بودند و دسته ای از آنان در کنار استفاده از احادیث اهل سنت، علاقه زیادی به فراگیری و بهره‌مندی از دانش امام نیز نشان می‌دادند. آن گونه که از کتابهای رجالی فهمیده می‌شود، نام بسیاری از اشخاصی که ارتباط تنگاتنگی با امام داشته‌اند، جزو اصحاب او نیست. همین موضوع می‌توانست تا اندازه ای اندیشه شیعه را سست کند؛ چه بسا امکان اختلاط آموزه‌های دیگری با آن قسمت از معارفی که آنان از امام می‌آموختند وجود داشت. امام باقر(ع) نیز مانند دیگر امامان شیعه، برای تحکیم پایه‌های اندیشه شیعه بسیار کوشید و امامت شیعه را به خوبی برای همگان معرفی کرد. او می‌فرمود: فرزندان رسول خدا(ص) درهای دانش خداوندی و راه رسیدن به خشنودی او هستند.

آنان دعوت کنندگان مردم به سوی بهشت و راهنمایان به سوی آنند. امام با تکیه بر قرآن، رهبری شیعه و تقویت مبانی پیروی از آن را معرفی می‌کرد و می‌کوشید تا امامت را نیز مانند نبوت، امری الهی و مبتنی بر قرآن تبیین کند. بازتاب دیدگاه امام در مورد رهبری شیعه بر احادیث نبوی که بر شباهت و قرابت میان پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) تأکید می‌کرده در بحثهای کلامی ایشان انعکاس فراوانی دارد. او با بیان اینکه امام، دارای صفاتی ذاتی-مانند عصمت و علم- است، در نظر داشت رویکرد جدی تری به موضوع امامت داشته باشد. دیدگاههای ایشان درباره این موضوع، تأثیر ویژه ای بر مردم گذاشت و بسیاری از تهدیدها و خطرهای را از تفکر شیعی دور کرد و سبب شد با وجود عقاید گوناگونی که در آن زمان درباره مرجعیت وجود داشت، تعداد گرایندگان به این مکتب رو به فزونی گذارد.

امام باقر(ع) با درایت و هوشیاری تمام توانست، شکافی را که در گذر سالهای متمادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارد.

ایشان با درایت و هوشیاری تمام توانست، شکافی را که در گذر سالهای متمادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارد.

همانگونه که ذکر شد، عصر امام پنجم(ع) به دلیل وجود شرایط سیاسی خاص اوضاع حاکم، تا اندازه ای به امام اجازه برقراری مجامع علمی داد تا ایشان بتواند استعدادها و نهفته‌های را که در جامعه اسلامی وجود داشت، تربیت کند؛ با این همه، نباید تصور کرد که امام با رعایت تقیه و پنهان کاری و عدم برانگیختن حساسیت دستگاه، این معنا را عملی کرده و با وجود تنگناهای خاص سیاسی و فرهنگی توانست دانشمندان برجسته ای را در رشته‌های گوناگون معارف چون فقه، حدیث، تفسیر و دیگر شاخه‌های علوم اسلامی تربیت کند که نام یکایک آنها در دست است. از برجسته‌ترین آنها می‌توان به زرار بن اعین، محمد بن مسلم ثقفی، ابوبصیر، لیث بن البخری مرادی، برید بن معاویه عجلی اشاره کرد.

امام باقر(ع) در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام‌ها را زدود و مشت مخالفان و سودجویان را باز کرد. او همواره برای به اثبات رسانیدن مدعاهای خود از آیات قرآن بهره می‌جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می‌گرفت و می‌فرمود: هر چه را می‌گویم از من سؤال کنید [این که گفتم] در کجای قرآن آمده تا آیه مربوط به آن را برایتان تلاوت نمایم. امام به اندازه ای بر آیات قرآن تسلط داشت که مالک بن اعین جهمی؛ شاعر هم عصر امام درباره او سرود: اگر مردم درصدد جستجوی علوم قرآن بر آیند، باید بدانند که قریش بهترین دانای آن را دارد و اگر امام باقر(ع) در علوم قرآنی لب به سخن گشاید، فروع زیادی برای آن ترسیم خواهد نمود. خلاصه آنکه آثار حیات بخش نهضت علمی امام باقر(ع) در جهان تشیع و آشکار ساختن گنج‌های پنهان معارف و همه جلوه‌های بدیع و زیبایی از دانش، آگاهی و معرفت را ترسیم نموده و اعجاز علمی نسل کوثر را متجلی ساخته و گلوآژه‌های علم و آگاهی را از بوستان قرآن و سنت به دلهای حق جو هدیه نموده است.

آیت الله صدیقی در مورد ویژگی‌ها امام باقر(ع) اظهار می‌دارد: یکی از ویژگی‌های محمد باقر علیه الصلوه و السلام این است که هم اسمش را و هم لقبش را پیغمبر عنوان کرده است و به مردم معرفی کرده است، نشان‌دارش کرده است، مبلغش بوده است، مروّجش بوده است. هنوز متولد نشده بود، به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: عمر تو طولانی می‌شود؛ این قدر می‌مانی تا یکی از فرزندان من که هم نامش نام من است و هم قیافه اش، شمایلش، سیمایش، هیکلش، شباهتش آیینی من است. اسمش و رسمش با من تطبیق می‌کند. نسخه برابر اصل است. او را ببینی گویا داری من را می‌بینی، هیچ کم ندارد. هم از نظر زیبایی، هم از نظر کمالات، هم از نظر اسم، هم از نظر مشخصات؛ آیینی تمام نمای جمال خدا و جلال خداست که پیغمبر هم جمال الله است و هم جلال الله است. امام باقر علیه الصلوه و السلام آیینی تمام نمای جمال و جلال الهی است. هم اسمش اسم پیغمبر، هم شمایلش و ویژگی‌هایش و جاذبه‌هایش و همه خصوصیات که از عالم دلبری می‌کند. در حضرت باقر علیه السلام آنچه در پیغمبر هست در وجود امام باقر علیه السلام موج خواهد زد. فرمود: وقتی او را دیدی سلام من را به او برسان!

وی ادامه می‌دهد: حضرت رسول، خاتم انبیاء، سالار انبیاء، سید کائنات، مأمور ویژه مقرر کرده و پیش‌بینی فرموده که این زنده بماند که همه سرنوشت ما را ولی خدا در شب قدر امضا می‌کند. در زمان پیغمبر مهر و امضاء به دست خود پیغمبر بود.

عمر حضرت جابر بن عبدالله انصاری را امضا کرده تا بماند. مأمور ویژه تبلیغ سلام پیغمبر به امام باقر علیه الصلوه و السلام باشد. حضرت [نبی خاتم] او را به عنوان کسی که حجاب جهالت را می‌زنی و گنج‌های علم را مثل کشاورزی که زمین را شخم می‌زند و برای رویش، گنج‌های حاصل خیزی را در آنجا می‌افشانند و قوت مردم را تأمین می‌کند؛ [معرفی کرده است].

آیت الله صدیقی می‌گوید: نکته مهم دیگر این است که حضرت [نبی خاتم] او را به عنوان کسی که حجاب جهالت را می‌زنی و گنج‌های علم را مثل کشاورزی که زمین را شخم می‌زند و برای رویش، گنج‌های حاصل خیزی را در آنجا می‌افشانند و قوت مردم را تأمین می‌کند؛ [معرفی کرده است]. امام باقر علیه السلام کشاورز علوم است، زمین‌های دل را می‌شکافد و تخم‌های دانش را می‌پاشد و علوم انبیا را می‌شکافد، باز می‌کند و در اختیار مردم قرار می‌دهد.

وی ادامه می‌دهد: تمام انبیا، اسرار الهی و علوم غیبی که در اختیارشان بوده است همه را امام باقر سلام الله علیه در وجودشان بود. [ایشان] مأمور بودند، زمینه می‌زدند؛ دیدند که عده زیادی را تحت عنوان علمای حوزه علمی تربیت کنند و این علوم را به نسل‌های بعدی انتقال بدهند. امروز ما هرچه داریم از معنویت، از عرفان و معرفت، از کشف و شهود، از جهاد و مبارزه، از شهادت و از خودگذشتگی، از انفاق، احسان، اخلاق و همه فضایل و خوبی‌هایی که در میان بشر هست؛ همه سر سفره امام باقر و فرزند بزرگوارشان امام صادق سلام الله علیهما به وجود آمده است.

وی اظهار می‌دارد: امام ما، امام بنیان‌گذار نظام ما و رهبر ما، شاگردان مکتب قال الباقر و قال الصادق هستند. این بزرگواران علوم انبیا را؛ چه آنچه انبیا داشتند همه در خاتمشان جمع بود و آنچه خاتم داشت همه را به ارث به این‌ها دادند. این‌ها بودند که استعدادها را شکوفا کردند و توانستند علوم ظاهری و باطنی را در میان بشر نهادینه کنند و بیمه شده تحویل نسل‌های آینده بدهند.